

روح اجسام از يك محيط تابع روحیه افراد در آن محيط است

الی فور یکی از دانشمندان فرانسوی، عقیده دارد که طرز فکر کردن مردم در هر عصری تأثیر خاصی در هنرهای زیبای آن زمان دارد و می گوید از آثار مادی و ظاهری که از ادوار مختلف تمدن بیادگار مانده است (مانند کلیسا مجسمه، مسجد، پرده نقاشی و غیره...) میتوان بروحیات و احساسات مردم در آن ادوار پی برد، مثلاً طاقها و هلالهای بلند مدخل بعضی مساجد و کلیسیاها علامت استبداد و حکومت مطلق است:

می نیا تورهایی که بدست استادان هنر مندا ایرانی ترسیم شده نشان روح حساس و ذوق سلیم ایرانی می باشد، زندگانی اقوام عرب که شب و روزین (دولایتناهی) یعنی زمین و آسمان می گذرد، آنان را بیشتر متوجه معنویات ساخته و بهمین جهت اعراب کمتر از سایر ملل (مانند ایرانیان و رومیان و یونانیان) که بر اثر توجه بماده و جسم آثار گرانبهایی در عالم هنر از خود باقی گذاشته اند) بت پرست بوده اند البته بت پرست بمفهومى که در اصطلاح (هنرشناسی) بکار میرود بامعنی عادی آن فرق ندارد ولی منظور از (پرستش) در اینجا تقدیس و تکریم مذهبی نیست زیرا شناساندن فکر و برقرار کردن رابطه معنوی بین اشخاص وسیله لازم دارد و بشر اجسام را وسیله بیان و اظهار افکار خود ساخته و برای اینکه توده مردم را بیک مبدع معین معنوی متوجه سازد متوسل بماده شده است.

اگر درست دقت کنیم در کلیه مذاهب جهان بت پرستی باین معنی راه و رسم محسوب می شود و اگر این معنی را برای (بت پرستی) بپذیریم می بینیم عهدیکه مادر آن زندگانی می کنیم عهد بت پرستی بحد کمال است.

با این مقدمه اگر مثلاً نظری بعمارت معروف به خوابگاه که فعلاً جایگاه وزارت دارائی در تهران است بیفکنیم بدون اینکه از تاریخچه پیدایش آن مطلع باشیم و آن را با بناهای جدیدی که در همان محل ساخته شد، مقایسه کنیم چنین نتیجه می گیریم که این بنای بزرگ برای زندگانی يك (فرد) و يك (نفر) ساخته شده، تزئین درون اطاق ها و کاشی هائی که روی آنها بجالس بزم منقوش است، محلی را که برای استراحت و خلوت با خواص اختصاص می دهد، تاریکی اطاقها که مناسب بآبادگی و عسلی و رزی است، در مشاهده این بنا اینست انتظار ندارد که هنگام ظهر یا غروب صدها مستخدم دولت با پیشانی در هم و گونه های رنگ بریده و خسته از آن خارج شوند، روی بلکائی که نگاه ما را بسمت ایوان می کشاند اثر منظره کسی دینه میشود که تنها و با قدمی آهسته، از آنها پائین می آید و چند نفر دورادور سر تعظیم فرود آورده و دست بسینه، منتظر عبور او هستند. هنوز نیم قرن یا بیشتر از تاریخ ساختن این بنا نگذشته که در تمام دنیا، فردی جای خود را در این مدت کم به جامعه داده است و در برابر شخص، موجود دیگری با بر صبه وجود گذاشته که نام آن «توده» است، او هم احتیاجی دارد، خانه می خواهد، غذا لازم دارد، تفریح باید بکند، توده مثل رشته زنجیر بهم متصل است، خانه او قطعه قطعه و آجر روی آجر ساخته نمیشود، رشته های آهنین و خمیر سیمان و بتون تمام قسمت های مختلف خانه او را تشکیل می دهد. پس با پیدایش توده خانه ای برای او پیدا شده که نماینده احساسات و فکر اوست. بر خلاف عمارت «خوابگاه» بنای جدید وزارت دارائی بی شباهت بفرقه های موجی داخل کند وی زنبور عسل نیست. زندگانی اجتماعی ایجاد میکند که تمایلات فردی کم کم از بین برود و تمایز، جای خود را به اتحاد شکل بدهد. اما نظم و ترتیب هم برای جامعه لازم است، چنانکه در کند وی زنبور عسل هم این نظم و ترتیب حکم فرماست و رعایت سلسله مراتب در آن

می‌شود، پنجره‌های یکشکل و خشن و با عظمت بنا نماینده روحیه توده‌است. در داخل بنا هر کس نسبت بوظیفه‌ای که انجام می‌دهد مقام و مرتبت معینی دارد، در مقابل این بنا اگر چشم‌به‌هم گذاریم میتوانیم تصور کنیم که ظهر یا عصر هزاران قیافه عبوس و متفکر از درهای عمارت خارج میشوند و با قدمهای تندى براه خانه خویش پیش می‌گیرند.

بنا بر این، تظاهر ماده تابع تغییر روحیه افراد است و از بت (بآن معنی که ما قبول کردیم) می‌توانیم بروحیه بت پرست پی ببریم، اگر بقسمت های سیمانی که در اطراف بعضی از میدانهای کوچک تهرانست نگاه کنیم و یا بقطر و بلندی دیوارهای برخی از ساختمان های دولتی یا خانه های شخصی نظری بیفکنیم حس می‌کنیم که تمام این محکم کاری‌ها علامت عدم اطمینان نسبت به محیط خارج است و همین امر نشان میدهد که افراد در کشور ما بیکدیگر اعتماد ندارند: تزینات دور میدانها شیشه باشیانه‌های مسلسل و سوراخهایی است که تفنگچیان در برج و با روی قلعه‌های قدیمی پشت آن‌ها می‌نشستند. دیوارهای قطور و مرتفع هم مثل حصارهایی است که اطراف قلاع مستحکم می‌کشیدند.

نگاهی بخارج از ایران بکنیم در آنجا فرده تقریباً در توده، مستهلک شده، اطمینان و اعتماد بین مردم حکم فرماست، دیوار خانه‌ها از بین رفته نرده‌های زیبای آهنی که از خلال آنها درون خانه پیدا است حد فاصل بین یک نفر یا چند نفر و توده می‌باشد، در گردشگاههای عمومی جامعه اعتماد خود را بفرد نشان میدهد، در اطراف گلپای رنگارنگ گردشگاه‌های شهر لوزن در کنار دریاچه ژنو، آشیانه مسلسل دیده نمی‌شود، شانه عابرین بشاخه‌های گل می‌خورد و وقتی روی نیمکت‌های کنار گردشگاه می‌نشینند نگاهش بخانه‌های زیبا و پنجره‌های باز و کلکاری درون عمارت مقابل متوجه می‌شود و فقط

نرده کوتاهی خیابان را از خانه‌های اطراف جدا می‌کند .
 هنگامی که شهرداری لوزان تصمیم باصلاح آن شهر گرفت دیوار 'پارک بزرگی' را که مجاور باگردشگاه است برداشت و جای آن را چمن کاری نمود .
 برعکس چون کشور ما همیشه در حال تغییر و تحول است در عمارات و آثار مادی ما هم همین حال مشاهده میشود ، تمایلات مختلف و نداشتن سبک و رویه ، اعوجاج فکر و اضطراب درونی ما را می‌رساند ، کنکره‌های قصر مدائن با ابوانهای عمارات جدید آمریکائی و ستون‌های عمارت عالی قاپوی اصفهان را در یک خانه بکاری بریم خانه بیلاقی که معمولا در اروپا با پنجره‌های بلند و دیواری کوتاه و نرده‌های زیبا ساخته میشود در ایران بشکل همان قلاع مستحکم در آمده است ، چند صد متر دیوار ضخیم و سفید دور خانه ما را خمره‌وار احاطه می‌نماید ، پنجره‌های اطاق‌های خانه ، باریک ولی بلند است . چند کبوتر یا قناری ویکی دو خروس و عقاب هم در گوشه و کنار عمارت دیده میشود ، یعنی می‌پرستی شهر دوستی ، شهوت و تکبر و بلند پروازی همه باهم یکجا جمع شده‌اند .
 این وضع درهم و برهم که رابطه مستقیم با روحیه امروز ما دارد یک قرن دیگر لااقل ادامه خواهد داشت تا پس از تربیت اعقاب نسل حاضر و پیدایش روحیه دیگر ماده و جسم هم از آن روحیه متابعت نمایند .

راهنمای گورها

در دنیای کنونی بقدری وسائل راحتی بشر تامین شده است که حتی گورها می‌توانند با کمک دستگاہ جدیدیکه برای آنها ساخته شده است بدون ترس و ناراحتی راه بروند . اخیراً در انجمن آسیب دیدگان از جنگ دستگاہی مورد آزمایش قرار گرفت که بسیار مورد توجه واقع شد . این دستگاہ عبارت از جبهه کوچکی است که شخص کور بدست می‌گیرد و با خیال راحت در خیابان راه می‌یافتد ، از جبهه نوری بیرون می‌آید که اگر تا ۱۵ پا با ما نمی‌بر خورد کرده و قطع شود فوراً صدائی بگوش شخص کور میرسد و او را از وجود مانع آگاه می‌سازد . هر چه مانع دور تر باشد این صدا ضعیف‌تر است و با کمک این دستگاہ هدایت کننده ، کوران می‌توانند با خیال راحت راه بروند و بما برخورد نکنند .